

باطن تو را و نور لا یتحدق ائی و لذیبا یتحدق و لا حول باطنی که سینه است ازین  
 عطف عام است برار تشبیه که هر از هر یک از شفا و شفا و شفا که سینه است  
 غیر اعظم است اللهم انما اعوذ بک من الهم الحامی فانما یبسی البصیح و اعوذ بک من  
 الهیمة فانما یبسی البصیح یعنی در سینه بود و در دست از ابو هریره  
 که رسول خدا میفرمود این دعا که ترجمه آن سابق بر تو است اللهم انما اعوذ بک  
 من الهم الحامی من علم لا یغیب و من قلب لا یخون و من نفس لا تفسح و دعا را صلح یعنی  
 صلح بود و در دست از ابو هریره رخص که رسول خدا میفرمود این دعا بار بار  
 بخون من نیاه مجوم تو ازین چهار چیز مهمو که پانی از معدن علم از ابو هریره  
 این دعا که نوشته ام و در سجده است من دعا اللهم ربنا انما الهم الحامی  
 و الهم الحامی حفته و فاعذ ابنا انما یعنی در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابوداؤد  
 و ابی حنبله است از این رخص که گفته اند دعا به جلاله علیه السلام انما الهم الحامی  
 که از انکه مشکو و قال متفق علیه یعنی که در دعا رسول خدا این دعا بعد از آنکه  
 خیرات دنیا و آخرت است ای خدا ای پروردگار ما عطا کن ما را در دنیا هر چه  
 که خیر است از علم ما و عمل ما و در حق ما و در حق ما و عاقبت ما و در حق ما  
 هر رتبه که سستی است از مغفرت و در حق ما و در حق ما و عاقبت ما و در حق ما  
 از هیچ قبیح و صانع و مکرمات که از مویجات خدا است که در حق ما و در حق ما  
 گفته که انظر اقوال در تفسیر حینه دنیا محبت و عاقبت و حینه آخرت حینه  
 و مغفرت است و مولانا عیاضی که گفته که جامع تر اقوال در تفسیر حینه دنیا و آخرت  
 شمول حین است و ازین است و دیگر هر یک یا نماند که نفس است در کلام خدا بر رسول  
 علمت نفس با قدمت و وفات و بعد از اقوال در حینه دنیا است عاقبت ادب است

اقوت ابی

اقوت رفیق احسانت و عذاب ربی برب مولد است اللهم اغفر لی  
 و جعلی و اسرانی و امری و امانت اعلم به من خطیئة یهود است  
 بشند بر این صحیح بخاری و مسلم و مصنفان این ابان بشند در دست از ابو هریره  
 اشوکی رخص که رسول خدا میفرمود این دعا بار بار یا با هر کجا که مراد آن که صادر  
 شدن است ازین بجا هر چه من درین دنیا را است بسوزن من حق تعالی انما التوبه  
 علی الله الذین یعلمون السوء بجهل انما محی السئته کفنه که اجماع صلح است بر این  
 که من عیب الله فهو جاهل و با من اسرافت و بجا است بر الله تبارک و تعالی  
 امر من متعلق است باسرافت یا جمیع سابقین تو را است ای بار بر هر چه  
 سیات و تقصیر و طاعات که تو در دنیا می بینی یا آن چیز ازین زمین قول تقیم است  
 و تنصیم اللهم اغفر لی حدی و غیره و خطای و عذر و کل فی کف عیبی  
 در طاعت است و هر که نقصن یکبار است هر که از باب هر چه بود  
 در دست از باب بفرض خطا یعنی حصول است و کار هر چه و دست و خطا است نه  
 یعنی در صحیح بخاری و مسلم و در دست از حضرت عائشه رخص که رسول خدا میفرمود اللهم  
 اغفر لی حدی و غیره که در اکثر ازین است و مطابق مشکو و در بعضی صحیح بخاری  
 و در دست که او در دست بقرعات فواصل از این دعا یا با هر چه من در حق  
 که صا و شد است خطا را از هر کجا که دانسته و نادانسته و او هر ای که دانسته  
 در این عطف بعد از تسبیح عطف و فاعلی است بر عام و حال آنکه هر از این که در کتب  
 موجود است یا همی نزدیک و تصحیح آن پس با هر چه است که مراد آن است که  
 که رسول خدا این را از دور تو رخص و هم نفس از دست و حضرت عاکرم الله  
 فرمود که رسول خدا ترک و بیا و فرات که کار آن را نه کرده است انتمی دهر الی